

**MfJ****Medical Fiqh Journal**

2024; 16(46): e1



The Legal Responsibility of Companies With Double Residence for Personal Injury Caused by Distribution of Transgenic Products

Farman Karam Ravan¹, Morteza Asadloo^{2*}, Nasser Masoudi³

1. PhD student, private law, branch of Tabriz, University of Islamic Azad, Tabriz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Foods which are genetically modified by domestic producers or multinational importers may have many risks for people's health, which are quite evident in the long term. The current research aims to investigate the responsibility of companies with double residence active in the field of transgenic products.

Materials and Methods: This research carried out by analytical-descriptive method.

Conclusion: From a jurisprudential point of view, due to the rules of Waste (Itlaf) and Causation (Tasbib), the companies importing transgenic products are responsible for the physical injuries caused to citizens. In the legal rules, the responsibility of pure error is considered for the activists of this field. In addition to domestic manufacturing companies, importing companies are equally responsible. The double residence of the company has no effect on the type of liability and due to the commission of all or part of the crime inside the country, the judicial system of the Islamic Republic of Iran has the authority to prosecute these companies. If these actions were taken in line with the interests of the company, the responsibility of the legal entity is also evident. In cases where these products are distributed according to the needs of the society, no legal responsibility is assumed, and in profit-seeking purposes, due to the lack of importance to the life of the Islamic society, more severe punishment is legal.

Keywords: Legal liability, Company, Double residence, Transgenic products

Corresponding Author: Morteza Asadloo; **Email:** asadlou.m@gmail.com

Received: September 2, 2024; **Accepted:** November 14, 2024; **Published Online:** November 21, 2024

Please cite this article as:

Karam Ravan F., Asadloo M., Masoudi N. The Legal Responsibility of Companies With Double Residence for Personal Injury Caused by Distribution of Transgenic Products. 2024; 16(46): e1.



مجله فقه پزشکی

دوره شانزدهم، شماره چهل و شش، ۱۴۰۳



مسئولیت حقوقی شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف نسبت به آسیب جانی شهروندان ناشی از توزیع محصولات تراریخته

فرمان کرم روان^۱، مرتضی اسدلو^{۲*}، ناصر مسعودی^۳

۱. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مواد خوراکی که به صورت ژنتیکی دست‌کاری می‌شوند، ممکن است خطرات زیادی برای سلامتی افراد داشته باشند. این خسارات در درازمدت مشهود بوده و این اقدام توسط تولیدکنندگان داخلی و یا واردکنندگان چندملیتی انجام می‌شود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش که به روش تحلیلی - توصیفی انجام شده، هدف از آن بررسی مسئولیت شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف فعال در حوزه مواد تراریخته می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتیجه نهایی اینکه از نظر فقهی به واسطه قواعد اتلاف و تسبیب، شرکت‌های واردکننده مواد تراریخته در آسیب‌های جسمی وارده به شهروندان دارای مسئولیت می‌باشند. در قواعد حقوقی نیز مسئولیت خطای محض برای فعالان این حوزه در نظر گرفته شده است. شرکت‌های تولیدی داخلی در این خصوص مسئولیت داشته و شرکت‌های واردکننده نیز به همان میزان دارای مسئولیت می‌باشند. مضاعف بودن اقامتگاه شرکت، اثری بر نوع مسئولیت نداشته و به سبب ارتکاب تمام یا بخشی از جرم در داخل کشور، نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران در تعقیب این شرکت‌ها دارای اختیار بوده و اگر در راستای منافع شرکت این اقدامات انجام شده باشد، مسئولیت شخص حقوقی نیز محرز است. در مواردی که حسب ضرورت جامعه، این مواد توزیع شده باشد، هیچ مسئولیت حقوقی متصور نبوده و در مواردی که با اهداف سودجویانه توزیع شده باشد، به سبب عدم اهمیت به حیات جامعه اسلامی، اشد مجازات اعمال می‌گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت حقوقی، شرکت، اقامتگاه مضاعف، محصولات تراریخته

نویسنده مسئول: مرتضی اسدلو؛ پست الکترونیک: asadlou.m@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Karam Ravan F., Asadloo M., Masoudi N. The Legal Responsibility of Companies With Double Residence for Personal Injury Caused by Distribution of Transgenic Products. 2024; 16(46): e1.

مقدمه

افزایش جمعیت بشر، نیازمند توسعه منابع غذایی می‌باشد. مواد طبیعی و ارگانیک، جوابگوی جمعیت امروزی نبود و اقداماتی با هدف افزایش بازدهی تولید مواد غذایی انجام شد. تغییرات ژنتیکی مواد غذایی، گاه موجب تولید چندبرابری آنان شد که در نهایت مواد «تراریخته»^۱ به جهان معرفی گردید (۱). با وجود تأمین دغدغه اول که افزایش بازدهی تولید مواد غذایی بود؛ اما این تغییرات موجب آسیب‌هایی به بدن انسان‌ها گردیده که در درازمدت مشخص می‌گردد.

امروزه افراد به مانند گذشتگان از نیروی بدنی قوی برخوردار نبوده و علت این امر در وهله نخست، تبدیل مشاغل بدنی به فعالیت‌های ساده و در وهله دوم تغییر سبک تغذیه از ارگانیک به تراریخته می‌باشد.

در صورت وحدت اقامتگاه شرکت تنها در داخل کشور، مسئولیت‌پذیری آن بیشتر بوده و در جریان دادرسی جرائم احتمالی، بدون دخالت دول خارجی، می‌توان به موضوع رسیدگی نمود. شرکت مطابق قوانین کشور فعالیت داشته و شناخت جنبه تخلف از آن به سهولت محرز است. با این حال ممکن است مدیران آن مقیم خارج از کشور باشند.

در ارتباط با مفید و یا مضر بودن محصولات تراریخته نظرات متفاوتی وجود دارد. اگرچه بسیاری از نشریه‌ها تلاش می‌کنند که به خوانندگان القاء نمایند که توافق گسترده علمی در مورد سالم بودن محصولات تراریخته وجود دارد؛ اما ادعا بر چنین توافقی صحت ندارد. در حقیقت، بررسی طیف وسیعی از داده‌های علمی منتشر شده اختلاف دیدگاه زیادی را در این‌باره نشان می‌دهد (۲).

نیاز داخل کشور یا به‌وسیله واردات و یا تولید مرتفع می‌گردد. معمولاً شرکت‌ها با سرمایه زیاد به چنین اقداماتی دست می‌زنند. قانون‌گذار کشورمان مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی با حقوقی را برابر دانسته است؛ اما در ادبیات حقوق کیفری اعمال برخی مجازات‌ها بر اشخاص حقوقی ممکن نبوده و لذا طرق مختلف آن در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده

است. در صحنه اجرا، اقدام حقوقی علیه شرکت‌ها معمولاً با مشکلات فراوانی مواجه بوده و این مشکلات زمانی پیچیده‌تر شده که شرکت دارای اقامتگاه مضاعف باشد. تحت این شرایط بیش از یک دولت از شرکت پشتیبانی کرده و پیگیری قضایی از مسائل سیاسی بدون اثرپذیری نمی‌باشد. با وجود تحقیقات کمی متعددی که درخصوص شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف انجام شده، تاکنون به شرایط اقدام مقتضی علیه آنها توجه نگردیده است.

هرچند که تحقیقاتی درخصوص شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف و نیز تحقیقاتی درخصوص مسئولیت‌های حقوقی توزیع مواد تراریخته انجام گرفته است؛ اما تاکنون توزیع مواد تراریخته توسط شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف بررسی نشده است. شاید چنین بیان گردد که همه اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مسئولیت بوده و علت بررسی تخصصی این نوع خاص از شرکت‌ها چیست؟ علت انتخاب مورد مطالعه این است که اقدام قضایی علیه این شرکت‌ها دارای چالش‌های متعدد می‌باشد و به این وسیله می‌توان اشخاص حقوقی با اقامتگاه واحد در داخل کشور را به نحو بهتری مسئولیت‌پذیر نمود. در عین حال حمایت دولت متبوع از شرکت‌های چند تابعیتی نیز مشهود است. جدای از این مسائل، دیدگاه فقهای مذاهب خمسسه نیز مورد مطالعه قرار گرفته که در نوع خود بی‌سابقه است. در زمینه پیشینه موضوع موارد زیر قابل ذکر است:

قشلاقی نیگجه و آبادیخواه در تحقیقی با عنوان «ارزیابی رویکردهای جرم‌شناسی سبز محصولات تراریخته در راستای حقوق بین‌الملل»، سال ۱۳۹۷، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی؛ بیان داشته‌اند که محصولات تراریخته به‌عنوان یکی از شاخه‌های بیوتکنولوژی به‌منظور مقاوم‌سازی گیاهان، مواد غذایی و دام در برابر آفات، یکی از نوآوری‌های بشری در حوزه ژنتیک به حساب می‌آید. اگرچه این فناوری در تولید کمی محصولات اثری شگرف داشته است؛ اما پیامدهای ناشی از مصرف آن نگرانی‌های عمیقی را به وجود آورده است. در این

1 Transgenesis

تحقیق بیشتر به جنبه‌های مجرمانه توزیع مواد تراریخته ناسالم پرداخته شده است (۳) که از دیدگاه حقوق بشر، چنین تولیداتی برخلاف حق بر حیات می‌باشد (۳). میرکمالی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «جرائم زیست‌محیطی و پیشگیری از ضررهای زیستی در سنجه جرم‌شناسی فرهنگی سبز»، سال ۱۳۹۹، نشریه اخلاق زیستی بیان داشته‌اند که حاصل تلفیق دو نوع جرم‌شناسی فرهنگی و جرم‌شناسی سبز، جرم‌شناسی فرهنگی سبز است که دو مؤلفه مهم فرهنگ و آسیب‌های زیست‌محیطی دولتی را مد نظر قرار می‌دهد. پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی در این رویکرد ادغام یافته، از طریق فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن اصول و منش‌های اخلاق زیست‌محیطی، حفاظت از محیط‌زیست را امکان‌پذیر می‌سازد (۴). در تحقیق مذکور، مسئله مواد تراریخته از دیدگاه جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته و به جنبه‌های مسئولیت حقوقی آن توجهی نگردیده است.

نظری در یک تحقیق با عنوان «بررسی تأثیر مواد تراریخته بر سلامت غذایی با رویکرد پدافند زیستی - مطالعه موردی استان لرستان»، سال ۱۳۹۹، همایش محصولات تراریخته در خدمت تولید غذای سالم، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار بیان داشته که از جمله مهم‌ترین چالش‌های فناوری‌های زیستی در دنیای امروز، فناوری‌های مرتبط با مهندسی ژنتیک و ارگانسیم‌های تراریخته است. در این مطالعه موردی مواد اولیه مصرفی آشپزخانه سازمان، از نظر تراریخته بودن بررسی شده که به دلیل تراریخته بودن آن، گزارش‌هایی به نهادهای بهداشتی مسئول داده شده است (۵). این تحقیق با دیدگاه نسبتاً فنی انجام شده و فاقد جنبه‌های حقوقی قابل قبول بود.

مرادپور سهل‌آباد در یک تحقیق با عنوان «محصولات تراریخته و جایگاه آن در ایران»، سال ۱۳۹۹، هفتمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم مهندسی بیان نموده که با وجود تأمین امنیت غذایی این محصولات؛ اما به دلیل عدم آگاهی مردم از این محصولات نگرانی‌هایی در مردم به وجود آمده است که می‌شود با برجسب‌گذاری این محصولات به

مردم قدرت انتخاب برای مصرف این محصولات را داد تا از نگرانی‌های آنها کاسته شود؛ اما با این وجود آگاه ساختن مردم نسبت به این فناوری الزامی است که باید صورت گیرد تا در زمان‌های بحرانی بتوان با چالش‌ها روبه‌رو شد (۶). در این پژوهش برای نخستین بار عرف به‌عنوان معیار سنجش مجرمانه بودن فعل/ ترک فعل تعیین گردیده و چنین بیان شده که اگر عرفاً، شناخت آثار منفی توزیع مواد تراریخته ممکن باشد و شرکت توزیع‌کننده درخصوص پخش مواد تراریخته مضر، مرتکب تخلف شده باشد؛ شخصیت حقوقی آن شرکت مجرم دانسته شده و با آن برخورد خواهد شد. با این حال شرایط شکلی و ماهوی اقدام قضایی علیه شخصیت حقوقی متخلف در حوزه توزیع مواد تراریخته، بررسی نشده است.

صادق‌پور در تحقیق خود با عنوان «امکان‌سنجی تعیین ارش برای درد»، سال ۱۴۰۲ منتشر شده در مجله فقه پزشکی، به امکان دریافت ارش برای آلام ناشی از مصرف مواد ناسالم اشاره نموده (۳۷)؛ اما به مسئولیت کیفری ورود خسارت به جسم، به واسطه مصرف مواد تراریخته، نپرداخته است.

میرکمالی و همکاران در تحقیق خود با عنوان «مسئولیت کیفری تولید و عرضه محصولات تراریخته غیرمجاز در نظام حقوقی ایران معاصر» در سال ۱۴۰۰ منتشر شده در مجله تاریخ پزشکی، مسئولیت کیفری تولید و عرضه محصولات تراریخته در نظام حقوقی ایران را مورد مطالعه قرار دادند (۳۸). این مقاله مروری بود و بدون توجه به جنبه‌های فقهی، تنها خلأ حقوقی در برخورد با شرکت‌های تولیدی و توزیعی را بررسی نمودند. اما در پژوهش حاضر ضمن توجه به جنبه‌های جامع فقهی، مسئله فرامرزی بودن فعالیت شرکت‌های عرضه‌کننده بررسی شده که وجه تفاوت تحقیق حاضر و تحقیق مذکور (میرکمالی و همکاران) می‌باشد.

کاظمی در تحقیق خود با عنوان «مسئولیت کیفری مواد تراریخته و زیست فناوری و خسارات ناشی از آن در حقوق کیفری ایران»، سال ۱۴۰۳، پذیرفته شده برای پوستر دانشگاه تهران، بدون توجه به نحوه توزیع، شرایط شکلی و ماهوی

مطالعه‌ای انجام نشده و در این تحقیق برای نخستین بار به این موارد پرداخته شده است. همچنین در صورت احراز مسئولیت کیفری شرکت با اقامتگاه مضاعف، ممکن است مدیران آن در خارج از کشور اقامت داشته باشند که در این صورت اقدام قضایی علیه آنها دارای چالش فراوان خواهد بود.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش با اتخاذ روش استدلالی و توصیفی - تحلیلی با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و نیز با مطالعه متون فقهی و مقایسه آن با دیدگاه‌های علمای حقوق و مد نظر قرار دادن مواد قانونی و آرا و تطبیق آن با اسناد بین‌المللی به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده و با توصیف و تجزیه و تحلیل آنها به نتیجه‌گیری درباره ابعاد مختلف موضوع پژوهش پرداخته شده است. روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی، و روش گردآوری اطلاعات با استفاده از کتب، مجلات و نوشتارهای سایت‌های حقوقی و جمع‌آوری و بررسی آنها و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌های مطالعاتی و کسب نظر اساتید دانشگاهی و عندالاقضاء حوزوی و نیز مراجع دخیل در امور فقهی و حقوقی می‌باشد، همچنین روش تجزیه و تحلیل و بررسی، به صورت تحلیلی - توصیفی است.

یافته‌ها

تاکنون به مسئله جرم عرضه مواد تراریخته توجهی نشده و برخی از حقوق‌دانان به استناد فقدان سوءنیت و نیاز امروزه زندگی بشری، آثار بلندمدت این مواد را چندان مهم نمی‌دانند؛ اما به هر حال به تسبیب، زیان به جان انسان‌ها وارد شده که تحقیقات علمی با اطمینان بالای ۹۰ درصد آن را اثبات نموده است؛ لذا قدم نخست بحث علمی که اثبات جرم بودن توزیع این‌گونه مواد می‌باشد، برداشته شده، چرا که آسیب به جان انسان‌ها تحت هر عنوان جرم محسوب می‌گردد. با این حال سوءنیت در این خصوص چندان مشهود نبوده و در حداقل بحث ممکن، مسئولیت پرداخت دیه را می‌توان به عرضه‌کنندگان و ضمانت‌کنندگان آن منتسب نمود.

رسیدگی به جرم زیست‌محیطی را بررسی نموده (۳۹) و این در حالی است که در پژوهش حاضر مسئولیت شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف با فعالیت فرامرزی بررسی شده که از نظر علمی تحقیق حاضر و تحقیق مذکور (کاظمی) با یکدیگر دارای تفاوت اساسی می‌باشند.

سبحانی و مهدوی ثابت در تحقیق خود با عنوان «مسئولیت کیفری تولید و عرضه محصولات تراریخته غیرمجاز از منظر فقه امامیه»، سال ۱۴۰۱، مجله فقه اجتماعی، دیدگاه فقه امامیه در خصوص توزیع مواد تراریخته را مورد مطالعه قرار داده‌اند (۴۰)؛ اما در این مقاله به دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت پرداخته نشده است.

حیدری و واعظ در تحقیق خود با عنوان «مسئولیت کیفری دولت در حوزه اکوساید»، سال ۱۳۹۹، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، مسئولیت دولت در حوزه اکوساید را بررسی نموده‌اند که بیشتر جنبه اداری و مدیریتی مورد توجه مقاله بوده (۴۱) و از دیدگاه حقوقی مطالعه خاصی صورت نگرفته و این مهم وجه تفاوت اصلی این پژوهش با پژوهش حاضر می‌باشد.

حمیدرضا محمدی و داوود اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «محصولات تراریخته، مسئولیت مدنی و ملاحظات در خصوص آنها»، سال ۱۴۰۳ منتشر شده در دانشگاه تهران (به صورت پوستر) مسئولیت مدنی توزیع مواد تراریخته را مطالعه کرده و از دیدگاه حقوق خصوصی تنها به مسئله لزوم جبران خسارت پرداخته‌اند (۴۲) و این در حالی است که مسئولیت حقوقی اشخاص حقیقی و حقوقی با یکدیگر دارای تفاوت‌هایی است و در عمل رسیدگی به جرائم شرکت‌ها با فعالیت برون‌مرزی ممکن نیست که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به سبق تحقیقات مذکور و اشاره مختصر به تفاوت هر یک با تحقیق حاضر، در مقام بیان جنبه‌های نوآورانه پژوهش حاضر، می‌توان بیان داشت که از حیث دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت، و ثانیاً در خصوص مسئولیت شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف که دارای فعالیت بین‌المللی می‌باشند؛ تاکنون

۱. مفهوم‌شناسی مواد تراریخته

تراریخته^۱ که به آن «تراژنی» یا «ترازایی» نیز می‌گویند، به فرایند تزریق یک ژن برون‌زاد^۲ به جانداران زنده، گفته می‌شود. به طوری که جاندار ویژگی جدیدی پیدا کند و آن را به فرزندانش منتقل کند. در فناوری تولید جانداران تراریخته (ترازایی)، یک یا چند ژن به ژنوم طبیعی جاندار اضافه یا از آن حذف می‌شود. در صورتی که ژنی از جاندار حذف شود، به جاندار حاصل «فروریخته»^۳ گفته می‌شود (۷).

در حال حاضر موادی نظیر مرغ، گوشت، گندم، جو، ذرت و ... با دستکاری ژنتیکی، دارای افزایش بازده تولید شده و به نسبت گذشته، به میزان بالاتری تولید می‌گردد. به عنوان مثال بیان شود که در گذشته مصرف مرغ به میزان بسیار کم بوده و در اکثر مواقع با هدف نگهداری مرغ‌ها برای تخم‌گذاری، سعی در مصرف کمتر آنها بوده است. به طور میانگین، بلوغ یک مرغ طبیعی به سه ماه زمان نیاز دارد؛ اما امروزه با دستگاه‌های جوجه‌کشی، مرغ به تعداد بسیار بالا تولید شده و با تزریق هورمون‌های رشد، دوره بلوغ آنها به ۴۵ روز کاهش یافته و ابعاد آنها به نسبت مرغ طبیعی بسیار بزرگ‌تر است.

یافته‌های علمی نشان داده که آثار منفی مواد تراریخته حداقل در مصرف متناوب پنج‌ساله خود را نشان می‌دهد. با این حال گاه مشاهده برخی از این آثار به سی‌سال زمان نیاز داشته و یا اینکه به نسبت قوی بودن افراد، ممکن است این اثرات هیچ‌گاه مشهود نباشد (۸). ذکر تمامی آثار منفی مصرف مواد تراریخته، خارج از حوصله پژوهش کنونی می‌باشد. لیکن ذیلاً به اهم آنها که بر پایه تحقیقات علمی به اثبات رسیده، اشاره گردیده است (۹).

۱. ریزش موی سر.

۲. افزایش احتمال ابتلا به سرطان.

۳. نازایی.

۴. افزایش احتمال سگته‌های قلبی و مغزی.

۵. افزایش بیماری‌های قلبی و عروقی.

گاه شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف به مجازات محکوم می‌گردند که در صورت وجود سوءنیت در توزیع مواد ناسالم، مجازات اشخاص حقوقی به موازات اشخاص حقیقی، انجام خواهد شد.

به نظر می‌رسد که به سبب طولانی بودن مشاهده آثار منفی مصرف مواد تراریخته، نظام قضایی بدان توجه کمتری داشته است. نظام حقوقی کشور ما از نوع نوشته بوده و با وجود پیچیده بودن فرآیند تقنینی، گاه نسبت به برخی معضلات حقوقی بی‌توجهی شده است. به هر حال مصرف مدام مواد تراریخته به سلامتی افراد آسیب می‌رساند.

با توجه به مسائل حقوقی که در جریان فعالیت شرکت‌ها وجود دارد، نیاز است که برای توزیع مواد تراریخته یکی از دو شرط وجود اقامتگاه شرکت و یا داشتن نماینده در داخل کشور تعیین گردد و غیر از آن اجازه فعالیت برای شرکت صادر نشود. در این صورت به فرض ثبوت مجرمیت، در چارچوب قوانین کشور و توسط نظام قضائی، می‌توان اقدام قانونی علیه شرکت توزیع‌کننده انجام داد. مسئله از آنجا پیچیده شده که ممکن است دولت‌های دیگری که اقامتگاه شرکت در قلمرو آنان می‌باشد، به پشتیبانی از شرکت بپردازند. اگر این حمایت با فقدان ضمانت مناسب شرکت در داخل کشور همراه باشد، مسئله عملاً از کنترل قوه قضائیه کشورمان خارج شده و تنها می‌بایست به اقدامات پلیس بین‌الملل امید داشت که بسیار ناکافی می‌باشد. بنابراین با هدف اطمینان از سیطره قوه قضائیه بر موضوع، می‌بایست برای شرکت‌های توزیع‌کننده مواد تراریخته شرکت حضور در کشور به صورت مباشر و یا نماینده پیش‌بینی شده و ضمانت‌های مکفی از آنان اخذ گردد. قابل ذکر است که تجارت مواد تراریخته در سطح جهان مستلزم وجود سرمایه‌های زیادی بوده که فقط از عهده شرکت‌های با فعالیت بین‌المللی بر می‌آید. بنابراین ممنوعیت فعالیت شرکت‌های با تابعیت مضاعف در کشور، عملاً چرخه تأمین مواد غذایی را با مشکل مواجه می‌نماید.

1. Transgenesis
2. Exogenous Gene
3. Knock out

نیاز به پروتئین، برای همگان یک ضرورت بوده و در گذشته به دلایل مختلف، دسترسی همگان بدان ممکن نبود؛ اما امروزه با تغییرات ژنتیکی مواد غذایی، امکان دسترسی تمامی اشخاص به مواد پروتئینی فراهم است. در واقع می‌بایست مزایا و معایب آن با یکدیگر مورد سنجش قرار گیرند. به هر حال به موجب اصول کلی حقوقی، هیچ‌کس مجاز به آسیب رساندن به جان دیگران نبوده و یکی از وظایف دولت‌ها، حمایت از جان و مال شهروندان می‌باشد. به عقیده برخی فعالین اقتصادی، سرمایه‌گذاری بر مواد ارگانیک، می‌تواند در درازمدت به کاهش حداکثری مصرف مواد تراریخته منتهی گردد که البته فرهنگ‌سازی در این خصوص از جایگاهی ویژه برخوردار است.

۲. شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف

عرضه مواد غذایی در مقیاس بزرگ، مستلزم فعالیت شرکت‌ها بوده و اشخاص حقیقی مجاز به ورود به این عرصه نمی‌باشند. قوانین تجاری کشور ما (ایران) بسیار قدیمی می‌باشد و پس از گذشت حدود یک قرن از تصویب آنها، تلاش جدی‌ای برای جایگزینی و متناسب‌سازی با شرایط روز، انجام نشده است. قانون راجع به ثبت شرکت‌ها در ایران در سال ۱۳۱۰ به تصویب رسیده و به موجب ماده اول آن «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب می‌شود».

در ماده ۷۴ قانون تجارت چنین ذکر شده که هیچ مجمع عمومی حق تغییر تابعیت شرکت را ندارد. در ماده ۵۹۱ همین قانون نیز ذکر شده که «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است».

قوانین موضوعه در خصوص تابعیت شرکت، نسبتاً متناقض و ناقص می‌باشند. به هر حال منع تابعیت دوگانه برای شرکت‌ها مشهود نیست. حسب تفسیر موسع ماده ۵۹۱ قانون تجارت، می‌توان چنین بیان داشت که اگر یک شرکت در دو یا چند کشور متفاوت دارای اقامتگاه باشد، می‌تواند تابعیت آنها را نیز کسب نماید. با این حال در خلأ قانونی، مقررات اداری به شکلی دیگر با این مسئله برخورد داشته که اهم آن به شرح ذیل می‌باشد.

در برخی نظام‌های حقوقی جهان به این مهم توجه شده است. با این حال اکثر کشورها نسبت به این مهم بی‌توجه مانده‌اند، که به نظر می‌رسد تأمین نیازهای خوراکی در داخل کشور، برای آنها اهمیت بیشتری داشته باشد.

۱-۱. مصرف مواد تراریخته: بر مبنای دیدگاه نظر مثبت، مصرف مواد تراریخته در برخی موارد دارای ضرورت است؛ چراکه بشر بدان نیاز داشته و بدون دستکاری ژنتیکی نمی‌توان این نیاز را برای تمامی بشریت تأمین کرد. به‌عنوان مثال نیاز به نان سالم برای تمامی انسان‌های روی کره زمین یک ضرورت بوده و اگر در گندم دستکاری صورت نمی‌گرفت، امروزه نان به کالایی لوکس مبدل شده بود. بنابراین میزان ضرورت دستکاری ژنتیکی و شدت این تغییر، با توجه به اثر آن، قابل توجه است. بنابراین در خصوص میزان آسیب به جسم انسان، چند سؤال مطرح است.

۱. شدت تغییر ژنتیکی مواد غذایی تا چه حد بوده است.

۲. میزان ضرورت این تغییر به چه حد بوده است.

۳. شدت اثر این نوع تغییر ژنتیکی به چه میزان است.

۴. تناسب اثر منفی ایجادشده به نسبت ضرورت انجام آن در چه حد است.

قطعاً نمی‌توان معیار دقیق و مدونی برای پاسخ‌دهی به این سؤالات یافت و پاسخ دقیق بدان‌ها مستلزم شناخت کامل و دقیق از ماهیت تغییرات ژنتیکی می‌باشد. بنابراین ضروری است که کلیات این مهم در منبع حقوقی تنظیم شده و سپس متخصصان امر بدان پاسخ دهند. در حال حاضر این مهم در حیطه وظایف پزشکی قانونی جای نداشته و کارشناس تغذیه در این مورد نیز اظهار نظر نمی‌نماید. ورود صحیح نظام قضایی به بحث آسیب‌های جانی مواد تراریخته نیازمند شناخت تخصصی در این خصوص می‌باشد.

۲-۱. آسیب وارده به جسم: همان‌طور که بیان گردید، آسیب وارده به واسطه مصرف مواد تراریخته به سرعت خود را نشان نمی‌دهد بلکه در اثر تکرر مصرف این مواد، مشکلاتی برای زندگی بشری ایجاد می‌شود. با این حال می‌بایست ضرورت تأمین حداکثری این مواد را نیز در نظر گرفت. به‌عنوان مثال

در این منبع حقوقی بیشتر جنبه‌های همکاری بین دولی توصیه شده است.

همچنین قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۸ به تصویب رسید و مسئولیت دستگاه‌ها در نظارت و کنترل مسائل زیستی را تبیین نمود. این منبع حقوقی بیشتر دارای جنبه حقوق عمومی بوده و مخاطب آن سازمان‌های دولتی مسئول می‌باشد. در خصوص فعالیت اشخاص حقوقی از دو نوع حقوق عمومی و خصوصی، پیام واضحی نداشته و بیشتر جنبه پیشگیرانه داشته تا جرم‌انگاری مصادیق مختلف تخلفات در زمینه توزیع مواد تراریخته.

در سال ۱۳۸۲ نیز دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ایمنی زیستی ملحق شد که رویه همکاری‌های برون‌مرزی در مقابله با تغییرات زیستی را تبیین نموده است. این منبع نیز به مانند کنوانسیون زیست‌محیطی عمدتاً جنبه همکاری کشورها جهت پیگیری‌های قضایی را بیان داشته و به مسائل ماهوی جنایی این حوزه توجهی نداشته است.

در خصوص مجازات تعیین‌شده متخلفان، می‌توان تمامی اقسام مجازات تعزیری را در این مورد صادق دانست. به موجب ماده دوم همین قانون ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در ماده یک، طبق نتایج و آثار حاصل از آن به شرح ذیل مستلزم مجازات خواهد بود.

۱. در صورتی که موجب بیماری مصرف‌کننده یا آسیبی گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی خواهد بود و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب یک سال تا سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

۲. در صورتی که موجب نقص یکی از اعضای مصرف‌کننده گردد مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص سه تا ده سال با اعمال شاقه است.

۳. در صورتی که در مورد مواد بهداشتی یا آرایشی موجب نقص زیبایی یا کراهت منظر شود مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص یا کراهت یک سال تا سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

اداره ثبت شرکت‌ها تنها به ثبت شرکت که اعطای تابعیت نیز به واسطه آن پدید می‌آید مشغول بوده و مسئله کسب تابعیت برای شرکت خارجی در ساختار اداری آن جایگاهی ندارد (۱۰).

تمامی ارگان‌های کشور در برخورد با بخش خصوصی، تنها دو حالت شرکت ایرانی یا خارجی را تعریف نموده و حالت سوم که شامل تابعیت مضاعف شرکت می‌باشد، در ساختار حقوق اداری کشورمان فاقد جایگاه می‌باشد (۱۱).

چنین به نظر می‌رسد که قوانین موضوعه با وجود عدم توجه به این مسئله، تابعیت مضاعف برای شرکت‌ها را منع نکرده‌اند، لیکن در صحنه اجرایی - اداری، چنین نهادی تعریف نگردیده است.

در این وضعیت، شرکت‌های ایرانی برای فعالیت بین‌المللی خود، به ثبت شرکت جدید با نام متفاوت از شرکت ایرانی، در کشور مد نظر اقدام کرده‌اند که عملاً هر یک نماینده دیگری محسوب شده و فعالیت بین‌المللی خود را انجام می‌دهند، با این حال تفاوت در نام موجب برخی شکاف‌ها گردیده و در عمل امکان تقویت برند را نادیده می‌گیرند.

۳. قانون‌گذاری

جدای از قواعد عمومی قانون مجازات اسلامی در خصوص آسیب‌های وارده به جان انسان‌ها، منبع حقوقی خاصی در این مورد وجود دارد. قانون‌گذار کشور در سال ۱۳۴۶ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی را به تصویب رسانده است.

دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ به کنوانسیون تنوع زیستی پیوسته و این منبع حقوقی دست نظام‌های قضایی را در برخورد با اشخاصی که به تنوع زیستی آسیب می‌رسانند، باز نگه داشته و راه را برای اقدام فرامرزی دولت در پیگیری حقوقی تخلف شرکت‌های خارجی فعال در ایران که به توزیع مواد تراریخته پرداخته‌اند را باز گذاشته است. در واقع جنبه‌های دیگر اقدام مجرمانه مرتبط با مواد تراریخته تشریح شده که در جریان دادرسی پرونده لحاظ می‌گردد. با این حال

ناسالم باشند، در نهایت با شرکت‌های متخلف برخورد می‌گردد. در واقع نهایت اقدام حقوقی، ممنوعیت فعالیت شرکت‌ها بوده و از مجازات آنها خبری نیست. بدین صورت میزان بازدارندگی از توزیع مواد ناسالم به حداقل رسیده و از همه مهم‌تر، معیار مشخصی برای سنجش سلامت مواد خوراکی وجود ندارد.

۴. ارتکاب جرم در حقوق اسلامی

به سبب اثرپذیری امور تقنینی کشور از فقه اسلامی، در خلأهای قانونی مراجعه به نظرات مرتبط در منابع فقهی ضرورت دارد. پس از بررسی‌های فراوان در خصوص جایگاه عمدی بودن جرائم مندرج در قانون مجازات اسلامی، نظر فقهای امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت استقرا و مورد بررسی قرار گرفت که ذیلاً به تفکیک در این خصوص بحث گردیده است.

۴-۱. **دیدگاه فقهای امامیه:** اهم بیانات فقهای امامیه آن است که اگر حیات جامعه اسلامی متوقف بر برخی آسیب‌ها باشد، نمی‌توان عوامل آن را مواخذه نمود (۱۲). حتی بیان شده که حاکم اسلامی در مسیر اجرای سیاست‌های خود از مسئولیت مبرا است (۱۳). معیار عرف برای زیان‌بار بودن فعل/ افعال معرفی شده است (۱۴). در جایی دیگر به مبارزه قاطع با منفعت‌طلبان اشاره شده است (۱۵). این دیدگاه با نهاد مصلحت‌سنجی در اسلام دارای رابطه نزدیک بوده و از این جهت دولت را به سبب برخی امور، از مسئولیت معاف دانسته است. بنابراین اگر مزیت توزیع مواد تراریخته ناسالم بیش از معایب آن باشد، توزیع آن عقلانی بوده و مسئولیتی به پای هیچ شخصی نخواهد بود.

۴-۲. **دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت:** ذیل این قسمت دیدگاه مذاهب اربعه اهل سنت در مسئله مورد بحث بررسی گردیده است. برخی از این دیدگاه‌ها نزدیک به دیدگاه امامیه است و برخی دیگر دارای جزئیات بیشتری می‌باشد. با این حال نیاز می‌باشد که نسبت به بررسی عمیق‌تر این موضوع با هدف شناخت نقاط قوت و ضعف آن اقدام گردد.

۴-۲-۱. شافعیه: اکثر فقهای شافعی به مانند فقهای امامیه، به ارجحیت حق حیات مسلمانان اعتقاد دارند (۱۶). با این وجود

۴. در صورتی که موجب مرگ مصرف‌کننده شود مجازات مرتکب از سه سال تا پانزده سال حبس با اعمال شاقه است. در مورد بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده، مجازات شروع به جرم حداقل مجازات مقرر در این ماده است.

به موجب ماده سوم قانون مصوب سال ۱۳۴۶، هر کس مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی را متقلبانه بسازد و مصرف مواد مذکور منجر به مرگ مصرف‌کننده شود مجازات او اعدام است.

با توجه به موارد مذکور، مسئولیت کیفری توزیع‌کننده مواد خوراکی را می‌توان در یکی از حالات ذیل بررسی نمود.

۱. در حالت نخست با تقلب و به صورت عامدانه مواد غذایی ناسالم توزیع شده و سلامت شهروندان به خطر می‌افتد. در این صورت شرایط جنایت عمدی در این خصوص صادق است که جدا از مسئولیت کیفری مدیرعامل و مباشرین، شرکت نیز به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی تا حد انحلال پیش خواهد رفت.

۲. در حالت دوم بدون هیچ قصد مجرمانه، به سبب قصور در رعایت پروتکل‌های موجود، مواد تراریخته ناسالم موجب بروز خسارت به شهروندان شده که در این حالت بدون مجازات شخص حقوقی شرکت، آمران عاملان به دیه و تعزیر محکوم می‌گردند.

۳. در حالت سوم بدون هیچ قصد و قصور، مواد تراریخته به سلامت افراد آسیب می‌زند. در این صورت نمی‌توان مسئولیتی برای شرکت و مدیران آن لحاظ نمود. با این حال در صورتی که حسب برخی مصالح و در راستای اعمال منافع حاکمیتی، تصمیم به توزیع مواد ناسالم گرفته شده باشد، هیچ مسئولیتی برای هیچ شخصی ملحوظ نیست.

در حال حاضر نظارت‌ها بر عرضه مواد خوراکی وجود داشته و چندین نهاد این مسئولیت را بر عهده دارند. ذکر جزئیات این مورد خارج از بحث پژوهش کنونی می‌باشد. با این حال در خصوص مواد تراریخته که عمدتاً به صورت فراملی تولید و توزیع می‌گردد، قانون‌گذار رویه صریحی در پیش نگرفته است. در مواردی که افکار عمومی خواهان منع توزیع برخی کالای

۳-۲-۴. حنفیه: جهت حفظ امانت، مطالب فقهی مرتبط، عیناً تکرار شده است.

می‌بایست مفسدان فی‌الارض که در تلاش برای آسیب به جان جامعه بوده‌اند مجازات شوند. زیان عمدی به منبع آب سالم و خوراکی یک جامعه، نباید زنده بماند (۲۵). حاکم اسلامی، مسئولیت نظارت بر توزیع خوراک را دارد (۲۶). دانشمندان می‌بایست اثر زیان‌بار توزیع خوراک ناسالم را تشخیص دهند (۲۷).

در مجازات مفسدان فی‌الارض نباید تبعیض قائل شد (۲۸).

تفسیر مطالب فوق به شرح ذیل است:

در دیدگاهی تندروانه، تمامی دست‌اندرکاران توزیع خوراک ناسالم می‌بایست مجازات شوند (۲۴). بیان شده که تولید و عرضه خوراک ناسالم دارای مجازات اعدام است (۲۵). علت چنین سخت‌گیری، مسئولیت نظارت بر کیفیت تولید دانسته شده است (۲۶). با این حال در برخی موارد، تناسب علم زمانه با تشخیص اثر منفی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (۲۷)؛ و در نهایت اینکه ملیت و مکان جغرافیایی تولیدکنندگان خوراک ناسالم بر مجازات آنها بی‌اثر تشخیص داده شده است (۲۸). این رویه تندروانه در برخی کشورهای اسلامی نظیر عربستان اجرایی شده است.

۴-۲-۴. حنابله: جهت حفظ امانت، متن اصلی مکتوب از فقهای مذهب حنابله، بدون تغییر در اصل نص، بیان شده است:

بر حاکم اسلامی فرض است که از عالمان برای تشخیص سلامت خوراک استفاده نماید (۲۹). توزیع‌کنندگان در حکم ناظر بوده و فقدان نظارت بر سلامت توزیع خوراک، مستوجب مجازات خواهد بود (۳۰). فرض است که حاکم اسلامی مسئول توزیع خوراک سالم بوده و لذا توزیع‌کننده مجازاتی ندارد (۳۱). مجازات قصاص به شرط حدوث سوءنیت و اراده است (۳۲). فقدان سوءنیت، در صورت قصور، مستوجب تعزیر است (۳۳). در دوران حلیفه دوم، تجاری از مصر گندم وارد کردند که ناسالم بود. به دستور خلیفه به آنها تازیانه زده شد (۳۴).

منظور از حیات، شرایط منجر به فوت دانسته شده و نه وضعیت گرسنگی (۱۷). حاکم اسلامی مأمور شده که به هر قیمت ممکن، از شیوع مرگ‌ومیر در جامعه ممانعت نماید (۱۸).

با تأکید بر تفسیر پیشین در بخش نظر فقهای امامیه، تناسب وضعیت ضروری برای انتخاب مسیر زیان‌بار، لازم دانسته شده که شناخت این شرایط اضطراری به حاکم اسلامی سپرده شده است.

۲-۲-۴. مالکیه: ابتدا اصل مطالب از منابع فقه مالکی بیان شده و سپس تفسیر آنها عنوان گردیده است.

افرادی که برای منافع مالی خویش حاضر به جدل با تمام جامعه هستند مرتکب قتل نفس شده‌اند (۱۹).

برای قتل نفس مجازات قصاص وجود دارد. اگر دامنه قتل نفس وسیع باشد، مجازات مرگ قابل تبدیل نخواهد بود (۲۰).

مراکز فساد که با هدف سودآوری و کسب مال دنیا، جامعه را به خطر می‌اندازند توسط حاکم اسلامی تعطیل شود (۲۱).

فقدان نیت مجرمانه که موجب به خطر افتادن جان اشخاص شده، مستوجب قصاص نیست (۲۲).

دین و گناه سوءقصود به جان همنوع، تا ابد به پای گناهکار خواهد بود و بخشیده نخواهد شد (۲۳).

ذیلاً تفسیر این مطالب بیان گردیده است.

در صورت وجود منافع فرصت‌طلبانه برای عرضه‌کنندگان، این اقدام معادل قتل نفس دانسته شده است (۱۹). بیان شده که

اشد مجازات که اعدام می‌باشد، می‌بایست برای منفعت‌طلبانی اجرا شود که جان اشخاص را به خطر می‌اندازند (۲۰).

همچنین نیاز است که مرکز فعالیت این افراد تعطیل گردد (۲۱). توزیع‌کنندگان مواد ناسالم، به شرط عدم اطلاع آنها، از

مجازات معاف دانسته شده‌اند (۲۲). طولانی بودن اثر منفی مواد خوراکی در میزان مجازات عاملان، بی‌تأثیر دانسته شده

است (۲۳). این مهم در قوانین کشور ما مد نظر قرار گرفته و برای غرض‌ورزی این حوزه، مجازاتی به مانند جرم محاربه

لحاظ نموده که به نظر دارای توجیه شرعی می‌باشد.

توصیه شده که عرضه‌کنندگان کالا می‌بایست در حد علم روز، از سلامت آن مطلع شوند. بنابراین مسئولیت عرضه‌کنندگان به علم روز محدود می‌باشد. بدین معنا که اگر در سطح علم روز، توزیع یک ماده خوراکی برای سلامتی جامعه خطرناک تشخیص داده شود، شرکت توزیع‌کننده دارای مسئولیت بوده و خارج از آن مسئولیتی نخواهد داشت. به‌عنوان مثال اگر مصرف نوعی ماده خوراکی، در حال حاضر غیرزیان‌بار تشخیص داده شود و ده سال بعد زیان‌بار بودن مصرف آن گزارش شود، شرکتی که امروز نسبت به توزیع اقدام کرده، فاقد مسئولیت خواهد بود. در حال حاضر برخی شرکت‌ها مسئولیت کنترل کیفی اقلام تولیدی را بر عهده گرفته‌اند که این نوع پذیرش مسئولیت، به نوعی مسئولیت عرضه با آخرین یافته‌های علمی را پذیرفته‌اند. بنابراین اگر برخی آثار منفی اقلام عرضه شده، در آینده مشخص شود، مسئولیتی به پای عرضه‌کنندگان نخواهد بود. در تعمیم قواعد عام مسئولیت کیفری، به شرط وجود سوءنیت و علم نسبت به موضوع مجرمانه، مسئولیت کیفری منتسب می‌گردد. بنابراین در شرایط مذکور (توزیع مواد خوراکی که در حال حاضر یافته‌های علمی، غیر زیان‌بار بودن آن را تأیید کرده و ممکن است در آینده آن را زیان‌بار اعلام کنند) شرکت‌های تولیدکننده و توزیع‌کننده در عرضه مواد خوراکی که در حال حاضر زیان‌بار بودن مصرف آن اعلام نشده، فاقد مسئولیت می‌باشند.

مسئله مهم دیگر که در کلام اکثر فقهای اسلامی مشهود می‌باشد، ضرورت توزیع می‌باشد. این مسئله به نوعی دیگر در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ذکر شده است. به نظر می‌رسد که این مهم رابطه مستقیمی با قواعد لا ضرر و اضرار داشته باشد. گاه توزیع مواد تراریخته تا حدودی ناسالم، برای حفظ حیات جامعه ضرورت دارد. کم و کیف این قضیه چندان مشخص نبوده و به عرف واگذار شده است؛ اما به نظر می‌رسد که با تشخیص حاکم اسلامی این مهم محرز خواهد شد. با تعمیم این قاعده به قانون مسئولیت مدنی، می‌توان چنین بیان داشت که اگر بنا به مصالح، ضمن اطلاع از مضرات برخی مواد خوراکی، دولت مجوز توزیع آن را صادر نماید، در این صورت

در این دوران گندم نامرغوب از حبشه وارد می‌شد؛ اما گندم وارداتی از مصر به سبب زیان به جان اشخاص، مستوجب مجازات بود (۳۵). خلیفه بر سود و درآمد تجار نظارت می‌کرد (۳۶).

اکنون به جهت تفصیل موارد مذکور، مطالب ذیل عنوان گردیده است.

تأکید شده که واردات یا تولید مواد خوراکی، مستلزم اطلاع علمی از کیفیت آن بوده و علم روز در این باره می‌بایست به استخدام گرفته شود (۲۹). قصور در نظارت با استفاده از علم روز، عامل مجازات عرضه‌کنندگان در نظر گرفته شده است (۳۰). توزیع‌کنندگان به‌طور کلی معاف از مجازات تشخیص داده شده‌اند (۳۱). اعمال مجازات قتل عمد تنها در صورت حدوث سوءنیت و فرصت‌طلبی می‌باشد (۳۲)؛ قصور فاحش نیز مستلزم اعمال تعزیر دانسته شده است (۳۳).

در دوران صدر اسلام چند دوره خشک‌سالی گزارش شده که در این دوران واردکنندگان گندم ناسالم مجازات شده‌اند (۳۴). بیان شده که در شرایط قحطی، واردات گندم با کیفیت پایین ایرادی ندارد؛ اما در صورت زیان به جان اشخاص مستوجب مرگ، واردکننده می‌بایست مجازات شود (۳۵). نظارت حاکم اسلامی بر سود حاصله در این خصوص نیز توصیه گردیده است (۳۶).

۵. جمع‌بندی دیدگاه‌های فقها

نکته قابل توجه که در کلام فقها یکسان می‌باشد آن است که اگر شخصی با اهداف غرض‌ورزانه، سلامت جامعه اسلامی را نشانه گیرد، مستحق اعدام بوده و این مهم در قانون سال ۱۳۴۶ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. علت را می‌توان چنین تشریح نمود که این اشخاص به صورت عمدی، سلامت جامعه را به خطر انداخته و جامعه شامل یک یا دو فرد نبوده و تهدید جان جمع زیادی از انسان‌ها، نوعی قتل عمد در مقیاس گسترده محسوب می‌گردد. چنین ضرباتی به جامعه اسلامی، به سبب وسعت دامنه اثرپذیری از جرم، می‌بایست مستوجب شدیدترین مجازات‌ها باشد تا از بازدارندگی لازم برخوردار گردد.

لازم به ذکر است که اگر سوءنیت و عمدی در کار نبوده باشد، نمی‌توان مجازاتی برای عاملین در نظر گرفت. در عین حال

کشورهای مد نظر شرکتی جدید با نام جدید ثبت کرده و بدین‌صورت به راحتی تحت قوانین همان کشورها فعالیت می‌نماید. بنابراین اقامتگاه‌های مضاعف آنها، زمینه فعالیت بین‌المللی را فراهم می‌نماید. با این حال تابعیت خارجی و اقامتگاه‌های متعدد نمی‌تواند مانع از رفع مسئولیت کیفری این شرکت‌ها گردد. درخصوص عدم اثرگذاری تابعیت خارجی و اقامتگاه مضاعف بر مسئولیت کیفری شرکت، نکات ذیل قابل ذکر است:

اولاً: به‌موجب ماده چهارم قانون مجازات اسلامی، هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین شرکتی که درخصوص عرضه مواد تراریخته ناسالم در ایران مسئولیت دارد، در هر نقطه از جهان، تحت تعقیب نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت.

ثانیاً: در موقعیتی که در راستای اهداف شرکت، چنین اقدامی انجام شده باشد، مجازات شخص حقوقی، همپای شخص حقیقی نیز ممکن خواهد بود. ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی در این‌باره بیان داشته که در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

بنابراین اگر توزیع چنین موادی در حیطه اهداف و مسئولیت‌های شرکت بوده و این تصمیم در هیئت مدیره اتخاذ شده باشد، مجازات شخص حقوقی نیز انجام خواهد شد. ماحصل بحث اینکه مضاعف بودن اقامتگاه شرکت‌ها و دوری از ایران، نمی‌تواند علتی برای عدم تعقیب و مجازات آنها تلقی گردد.

توافق بین دولی

امروزه سران دولت‌ها در حین سفرهای خارجی جمعی از فعالان اقتصادی را به همراه خود برده تا بلکه در موقعیت

هیچ مسئولیتی به پای هیچ شخصی نخواهد بود؛ چرا که مزایای این اقدام بر معایب آن برتری خواهد داشت.

درنهایت اینکه اگر شرایط فوق درخصوص توزیع مواد محرز نگردد، اقدام به توزیع نوعی جرم غیر عمدی محسوب می‌گردد و برای جرائم غیر عمد، تنها دیه محرز است. البته در حیطه مسائل اجرایی نیز برخورد با توزیع‌کنندگان نیز ممکن خواهد بود. درواقع اختیارات تعزیری حاکم شامل جزای نقدی، تعطیلی و ممنوعیت از اشتغال به حرفه مشخص در طول زمان معین می‌باشد که علاوه بر مسئولیت جبران خسارت خواهد بود.

نکته مهمی که از منابع فقه اسلامی قابل استخراج بوده و در دیگر تحقیقات بدان توجهی نشده، اعمال حاکمیتی و اثر آن بر مسئولیت اشخاص است. این مهم تنها در قانون مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گرفته و در منابع حقوق کیفری فاقد جایگاه است. بررسی این مهم از جنبه‌های نوآورانه پژوهش کنونی می‌باشد. اقدام مجرمانه در راستای اعمال حاکمیتی را می‌توان در چارچوب «عوامل موجه جرم» دانست که از موانع اعمال مجازات محسوب می‌گردد. با این حال نیاز است که قانون‌گذار در این خصوص صراحت لازم را داشته باشد.

۶. بررسی تحلیلی تطبیقی

با توجه به اینکه تولید، تجارت و عرضه مواد تراریخته توسط شرکت‌های چندملیتی انجام می‌شود، بحث درخصوص برخورد با این عاملان دارای اهمیت می‌باشد. همان‌طور که بیان گردید، در کشور ما تابعیت شرکت‌ها تعریف نشده و تنها اقامتگاه به‌عنوان معیاری برای تبعیت از قانون، کفایت دارد. با این حال اگر به مسائل اجرایی توجه شود، ثبت هر شرکت مستلزم طی مراحل حقوقی - اجرایی در سازمان متولی ثبت شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین می‌توان بیان داشت که هر شرکتی که این مراحل را در هر کشوری گذرانده باشد، دارای تابعیت همان کشور است؛ اما نکته قابل تأمل آن است که تابعیت اکتسابی برای شرکت خارجی، در قوانین کشور ما تعریف نشده و این در حالی است که در اکثر کشورها چنین امکانی وجود دارد. بنابراین اگر یک شرکت دارای فعالیت بین‌المللی باشد، در

مسئولیت بوده و تحت تعقیب نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند گرفت.

۶. صلاحیت نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با شرکت‌های عرضه‌کننده مواد تراریخته ناسالم در داخل کشور، عام بوده و مضاعف بودن اقامتگاه شرکت‌ها مانعی در این خصوص محسوب نمی‌گردد.

پیشنهاد می‌گردد که منبع حقوقی خاصی در مورد مواد تراریخته تدوین و تصویب گردد که در آن ضمن برشمردن مسئولیت‌های کلی عرضه آن، میزان دیات را با توجه به آسیب‌های وارده به جان شهروندان، میزان جزای نقدی و میزان مجازات‌های تعزیری را به صراحت مشخص نماید.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

دیدار با سران کشور میزبان، توافقاتی به نفع اقتصاد کشور وضع شود. از این‌رو فعالین اقتصادی به همراه مسئولین به سفر می‌روند. با توجه به منافع اقتصادی‌ای که در این توافقات وجود دارد، می‌توان چنین شرط نمود که شرکت‌های با اقامتگاه مضاعف در صورت تخلف، می‌بایست تحت قوانین کشور محل فعالیت بوده و دولت‌ها ملزم‌اند در این خصوص همکاری لازم را به عمل آورند. در این صورت حضور مدیران شرکت‌ها در خارج از کشور نمی‌تواند به‌عنوان راهی برای فرار از مسئولیت تلقی شده و در صورت لزوم کشور متبوع، می‌تواند آنان را به کشور محل فعالیت مسترد نمایند. بدین‌صورت مسئولیت‌پذیری آنها بیشتر خواهد شد.

نتایج و پیشنهادات

نتایج پژوهش به شرح ذیل می‌باشند:

۱. در صورتی که با وجود اطلاع از آثار منفی مواد تراریخته، حسب برخی مصالح، مجوز توزیع آن توسط مقامات دولتی صادر شده باشد، هیچ مسئولیتی به پای هیچ شخصی نمی‌باشد. این نتیجه از جنبه‌های مهم نوآورانه پژوهش حاضر می‌باشد که تاکنون در تحقیقات پیشین مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. در صورت اطلاع عرضه‌کننده از آثار منفی مواد تراریخته و اقدام به عرضه با منافع سودجویانه، این اقدام در حکم جنایت عمدی بوده و مدیران عرضه مستوجب اشد مجازات می‌باشند.

۳. مسئولیت عرضه‌کنندگان مواد تراریخته در خصوص آثار منفی این مواد بر سلامتی شهروندان، محدود به علم روز بوده و در خصوص نظارت کیفی بر محصولات نهایی با آخرین استانداردهای روز جهان، دارای مسئولیت می‌باشند.

۴. سهل‌انگاری در شناخت آثار منفی مواد تراریخته و عرضه آن، که در درازمدت موجب بروز آسیب‌های جانی به شهروندان می‌گردد، مستوجب مجازات‌های تعزیری و ثبوت دیه بوده و محدود به زمان و مکان نمی‌باشد.

۵. شرکت‌های چندملیتی و تک‌ملیتی ایرانی و خارجی عرضه‌کننده مواد تراریخته ناسالم، در این خصوص دارای

References

1. Bāghirzādih, A. Bāzār, Dulat Wa Huqūq Maṣrafkūnandih. Qom: Tusi'ih 'Ilm. 2016 (1395).1:1. [In Persian]
2. Aḥmadkhanī, A. Huqūq Gīyāh Shināsī. Gorgan: Farāghī. 2009(1388). 1:1. [In Persian]
3. Qeshlaghi Nigjeh A, Abadikhah M. "Evaluation of green criminology approaches of transgenic products in line with international law". National Conference on New World Achievements in Education, Psychology, Law and Cultural-Social Studies. 2017(1397). 1. [In Persian]
4. Mirkamali A, Hajivand A, Nabati A. "Environmental crimes and prevention of biological harms in the measure of green cultural criminology" Bioethics Journal. 2019(1399). 10 (35) 1-11. [In Persian]
5. Nazari, P. "Investigating the effect of transgenic substances on food health with the approach of biological defense - a case study of Lorestan province". Lorestan Scientific Journal of Police Science. 2019(1399). 8 (30) 165-178. [In Persian]
6. Muradpour Sahl Abad, H. "Transgenic products and their place in Iran". 7th International Conference on Innovation and Research in Engineering Sciences. 2019(1399). 1. [In Persian]
7. Abramson, B. A Commentary on the United Nations Convention on the Rights of the Child, Article 2: The Right of Non-Discrimination. Brill2008. 1. [In English]
8. Isschop, L. Governance of the illegal trade in e-waste and tropical timber: case studies on transnational environmental crime. Routledge. 2016. 1. [In English]
9. Bassey O.U., Miracle A.A., & Lene N.E. Adequacy and Enforcement of Green Crimes: A Stinging Satire of the Nigerian Case. 2020. 1. [In English].
10. Skini, Rabia. Trade Laws of Commercial Companies. 14th ed. Tehran: Samit. 1. [In English]
11. Yazdi Khayatian, Mohammad Sadegh, Mehdi Eliasi Tabatabaiyan, Seyed Habibullah (2015) "Sustainability model of knowledge-based companies in Iran", Science and Technology policy. 1. [In English]
12. Sadeghi, A. "The psychological Element of Intentional Homicide in the Light of the New Islamic Penal Code". Islamic Azad University. 2013(1392). 1. [In Persian]
13. Hurr 'Āmulī, M. Wasā'il al-Shī'at. Qum: Āl al-Bayt. 1988(1409). 1:43 [In Arabic]
14. Ḥimawī, A. Nazā'ir. Beirut: Dār al-Kutub. 1979(1400). 276 [In Arabic].
15. Ṣadr, S. Māwarā' al-Fiḥ. Beirut: Dār al-'Aḍwā'. 1999(1420). 1:432 [In Arabic].
16. Anṣārī, Y. al-Maṭālib. Damascus: Dār al-Kitāb. 1996(1417). 2:431. [In Arabic]
17. Abū Ishāq, J. al-Muhadhdhab. 3rd ed. Damascus: Dār al-Kabīr. 1995(1416). 1:38. [In Arabic]
18. 'Abdih, M. Tafṣīr al-Minār. 3rd ed. Cairo: Dār al-Azhar. 1911(1330). 1:652. [In Arabic]
19. Dasūqī, M. Ḥāshīyyat al-Dasūqī 'Alā Sharḥ al-Kabīr. 11th ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1992(1413). 3:428. [In Arabic]
20. al-Adawī, AḤ. Ḥāshīyyat al-Kifāyat. 11th ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1994(1415). 3:342. [In Arabic]
21. Mudūd, A. Wiṣāl Muṣūl. Qum: Islāmīyyat. 1980(1401). 252. [In Arabic]
22. Dāmād Iffindī, M. Majma' al-Nahār. Cairo: Dār al-Azhar. 1668(1079).1: 122. [In Arabic]
23. Nawawī, Z. al-Muhadhdhab. 4th ed. Damascus: Dār al-Kutub. 1987(1408). 5:108. [In Arabic]
24. Mawwāq Mālikī, M. Mawāhib. 16th ed. Cairo: Dār al-Azhar. 1986(1407). 409. [In Arabic]
25. Najdī, 'U. Hidāyat al-Rāghib. 8th ed. Muscat: Dār al-Salām. 1685(1097). 2:245. [In Arabic]
26. Balkhī, L. al-Fatāwī. 13th ed. Beirut: Dār al-Kutub. 1979(1400). 5:136. [In Arabic]
27. Ibn Nujaym, Z. al-Baḥr al-Rā'iq Sharḥ Kanz al-Daqā'iq. Damascus: Ṣāliḥīn. 1991(1412). 2:210. [In Arabic]
28. Ibn 'Ābidīn, MA. Ḥāshīyat Radd al-Muḥtār 'Alā al-Durr al-Mukhtār. 4th ed. Damascus: Ṣāliḥīn. 1991(1412). 2:236. [In Arabic]
29. Shirbīnī, M. Ṣādiqīyyah. Damascus: Dār al-Qalam. 1990(1411). 1:366. [In Arabic]
30. Ibn Quddāmat, 'A. al-Mughnī. 7th ed. Cairo: Dār al-Azhar. 1990(1411).1:435. [In Arabic]
31. Ibn Humām, K. Faṭḥ al-Qadīr. 3rd ed. Damascus: Dār al-Kitāb. 1986(1407). 1:101. [In Arabic]

32. Ibn Hajar, AR. *Fath al-Bārī*. Damascus: Dār al-Kutub. 1988(1409). 3:214. [In Arabic]
33. Ibn Taymīyyat, A. *Muḥarrar*. 17th ed. Amman: Qīyās. 1988(1409). 2:123. [In Arabic]
34. al-Nafrāwī, SA. *al-Fawākih al-Ddawānī*. 7th ed. Cairo: Dār al-Islāmīyyat. 1993 (1413). 1:363. [In Arabic]
35. Māwardī, A. *al-Ḥāwī al-Kabīr Fī Fiqh Madhhab al-Imām Shāfi'ī*. 11th ed. Damascus: Dār al-Kutub. 1997(1417). 3:127. [In Arabic]
36. Buhūtī, M. *Kashshāf al-Qinā' 'An Matn al-'Iqnā'*. 12th ed. Amaan: Qīyās. 1641(1051). 2:324. [In Arabic]
37. Sadeqpoor MJ. "Feasibility of determining ARSH for pain". *Med Fiqh Journal*. 2024(1403). 15(45):1. [In Persian]
38. Mirkamali SA, Hosseini M, & Sobhani H. "Criminal responsibility for the production and supply of unauthorized transgenic products in the legal system of contemporary Iran". *History of Medicine*. 2021(1401). 13 (46). [In Persian]
39. Kazemi, M. "Investigating the criminal responsibility of genetically modified substances and biotechnology and the resulting damages in Iranian criminal law". University of Tehran. 1. [In Persian]
40. Sobhani H, & Mahdavi Thabit MA. "Criminal responsibility for the production and supply of unauthorized transgenic products from the perspective of Imami jurisprudence". *Journal of Social Jurisprudence*. 2022(1402). 10 (2): 189-210. [In Persian]
41. Heydari A & Vaezi, SM. Criminal responsibility of the government in the field of ecocide. *Scientific Quarterly of Modern Administrative Law Research*. 2019(1399). 2 (3): 37-67. [In Persian]
42. Mohammadi H, Eslami, D. "Transgenic products, civil responsibility and considerations regarding them". University of Tehran. 1. [In Persian]